

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۹۵ شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹، ۲۰ مارس ۲۰۲۱

www.kurdistanmedia.com

مصطفی هجری:
امیدوارتر و تواناتر از
گذشته سنگر کوردستان
برای ...



بی تفاوتی اجتماعی،
خاستگاه توتالیتاریسم



از وصف جنگ
به عنوان نعمتی الهی
تا ...



وضعیت
اقتصادی و سیاسی و
حقوق بشری ...



نوروز آتش و راسان

کریم پرویزی

سختن

حیات نوین

میهن

به مناسبت عید نوروز و سال تازه مراسمی با شکوه در مقر اصلی حزب دمکرات کوردستان ایران با حضور اعضای رهبری، کادر و پیشمرگه‌های کوردستان و خانواده آنان برگزار گردید.

روز شنبه مورخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۹ خورشیدی مراسم عید نوروز و سال تازه کوردواری با حضور مسئول اجرایی حزب، شورای سیاستگذاری و هیئت اجرایی، کادر، پیشمرگه و خانواده‌های حزب دمکرات در مقر اصلی حزب دمکرات کوردستان ایران در دو بخش برگزار گردید.

بخش اول مراسم با سرود نوروزی «نم روژی سالی تازیه نه‌وروزه هاته‌وه» آغاز گردید.

سپس پیام نوروزی حزب دمکرات از سوی «مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد.

هجری در پیام خود اظهار داشت: «در حالی به استقبال نوروز و سال نو ۱۴۰۰ خورشیدی می‌رویم که بحران‌های انباشته شده و حل نشده، که محصول و استمرار سیاست‌ها و مدیریت جمهوری اسلامی ایران است، همان تجربه تلخی است که نه فقط ملت‌های تحت ستم این کشور را دربر گرفته، بلکه دود آن به چشم کشورها و دیگر ملت‌های منطقه نیز رفته است».

ایشان در بخشی دیگر از پیام خود به وضعیت ایران و کوردستان به ویژه از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد و بیان داشت: «امسال نیز دوباره استان‌های کوردستان بیشترین درصد بیکاری و تورم را در سطح کشوری ایران داشته‌اند و در میان استان‌های کوردستان نیز، کرمانشاه بیشترین آمار بیکاری را دارد. ایلام و کرمانشاه طبق آمار رسمی دو شهر فلاکت‌بار بوده و همزمان با افت شدید ارزش تومان و توزیع دلار با نرخ دولتی در مرکز ایران، مردم کورد نسبت به سال‌های پیش فقیرتر شده‌اند.

زنان دو برابر مردان قربانی بحران اقتصادی شدند، کمتر کشوری پیدا می‌شود که فضای کار برای زنان

همچون ایران محدود باشد. کشوری که ساکنین زن بالای ۱۵ سال آن بیش از ۳۱ میلیون نفر می‌باشد، تعداد زنان صاحب کار کمتر از ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است. در سال ۱۳۹۹، میزان بیکاری زنان ۱۴ برابر بیکاری مردان بوده، با این وجود و به علت وضعیت کرونایی به نظر می‌رسد خشونت خانوادگی علیه زن، کودک و سالخورده‌گان افزایش داشته باشد، اما هیچ گونه آماری قابل اعتماد در این باره وجود ندارد.

«هجری» در ادامه پیام خود اظهار داشت: «علاوه بر وضعیت فروپاشیده اقتصادی و بحران کرونا، در سال گذشته جمهوری اسلامی ایران بر سیاست همیشگی خود یعنی دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، آزمایش موشکی و برنامه اتمی خود مصر بوده است. جمهوری اسلامی ایران از طریق شبکه‌های گسترده شبه‌نظامیان و گروه‌های تحت نفوذ خود، جنگ نیابتی را در اولویت خود قرار داده و به مثابه کارت فشار علیه

کشورهای منطقه استفاده کرده است. از طریق این نیروها؛ طی یک سال گذشته بصورت مستمر منافع کشورهای عربی و آمریکا را در منطقه مورد هدف قرار داده است. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم ایران در چند کشور جهان سعی در ترور و بازداشت و ربودن مخالفینش کرده است».

مسئول اجرایی حزب دمکرات در پیام خود بیان داشت: «برای رسیدن به حقوق ملی و دمکراتیک که همه ملت‌ها احساس حق حاکمیت و امنیت ملی و کرامت خود بکنند؛ ما در حزب دمکرات کوردستان ایران بر این باور هستیم. سرنوشت مشترک باید به زیربنای مبارزه و همپیمانی همه جریان‌هایی که در عمل به دمکراسی و حقوق ملی ملت‌های تحت ستم در ایران باور دارند، تبدیل شود. بر این عقیده هستیم که موقعیت ضعیف رژیم، زمینه‌ای مناسب برای مبارزه و تلاش در راستای سرنگونی این نظام و بنیان نهادن سیستمی دمکراتیک و فدرال فراهم کرده

است. نسبت به کوردستان ایران در سال ۱۴۰۰ نیز مانند سال‌های قبل بر همگرایی و همکاری احزاب مبارز و متحدکردن نیرو و توان و فرصت‌ها تاکید می‌کنیم برای دستیابی به کوردستانی مقتدر و موثر برسیم. به تلوام مبارزه راسان همچون اصلی اساسی می‌نگریم. پیوستن زنان و مردان مبارز و انقلابی به صفوف نیروی پیشمرگه کوردستان در سال ۱۳۹۹، نیرو و توان بیشتری به مبارزه برای آزادی و رهایی سرزمینمان کوردستان داده است. به همین دلیل اعلام می‌کنیم امیدوارتر و تواناتر از گذشته سنگر کوردستان برای دفاع از آزادی محکمتر و آبادتر است».

بعد از پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات، سرود «شیرین به‌هاره»، از سوی گروه موسیقی «کویه» تقدیم شد. در بخشی دیگر از این مراسم شعری تحت عنوان «من نه‌وروزم» از سوی ماموستا «بینه‌ش» تقدیم حضار شد. سپس چند آهنگ فلکلور کوردی از سوی گروه موسیقی «کویه»

و سپس شعری با نام «ناگری نه‌وروز» از سوی «احسان رستگار» تقدیم شد. همچنین چند تابلوی هه‌لپه‌پ‌کی از سوی گروه هه‌لپه‌پ‌کی «ناشتی» تقدیم شد.

بخش دوم مراسم اختصاص یافته بود به روشن کردن آتش نوروزی از سوی «مصطفی هجری» و «کنیره مهفر» روشن گردید. همزمان با برگزاری این مراسم در کوه‌های سر به فلک کشیده کوردستان از سوی نیروی پیشمرگه کوردستان آتش نوروز برافروخته شد. از سویی دیگر در دو کمپ «دینگه‌له» و «جیژنیکان» مراسم نوروز برگزار شد.

در کوردستان ایران نیز علاوه بر فشارهای امنیتی رژیم ایران بر مردم برای جلوگیری از برگزاری مراسمات نوروزی اما مراسم سال نو با شکوهی بی نظیر برگزار شد. خوانندگان «کوردستان» را مطلع می‌کنیم متن پیام نوروزی مسئول اجرایی حزب دمکرات را در این شماره بخوانند.

می‌خواهند که نه تنها گلی در این سرزمین نروید، بلکه قطره بارانی نیز بر این سرزمین نیارد تا بتوانند سرزمینمان سوخته و کوه‌هایمان سر تعظیم فرو آورده و دره‌هایمان پر از شن و باتلاق شوند.

کولونیالیسم اشغالگر، با واداری از فکر و اندیشه‌های فاشیسم، سالیان متممادی است که به سرزمین و خاک و روح ملی کوردها هجوم آورده تا ما را ذلیل و درمانده و تسلیم اراده خود کند و دست به دامان آن‌ها باشیم تا بلکه از سر خیر خود تکه نانی به ما عطا کنند و ما هم شکرگزار الطافشان باشیم که اجازه نمی‌دهند از گرسنگی بمیریم!

افکار فاشیستی و میل اشغالگریشان و عطش خون خواریشان سال‌های متممادیست که سرزمین ما را زیر چکمه دل چرکیشان له کرده و روزانه فرزندانمان را کشته و شبانه جوانانمان را چشم بسته در زندان‌های مخوف خود شکنجه داده و از ستم سیری ندارند و ما نیز به هیچ شیوای دست بردار خواسته‌هایمان نخواهیم بود.

امسال با وجود همه درد و رنج‌های ارمغان کولونیالیسم تهران، فقر و بیکاری و گرسنگی و تحریم‌ها نیز که افزایش یافت، ویروس کرونا نیز دردها و کشته‌ها را بیشتر و بیشتر کرد. سال بدین طوفان وحشت، ویروس مرگبار، گرانی و خانه‌خوابی آغاز و با صدور پشت سر هم اعلامیه‌های غذا‌داری ادامه یافت و در این سال صدها و هزاران نفر از عزیزانمان را از دست دادیم. فرشته مرگ با برپا کردن چادر سیاه خود در حیاط و ایوان کوردستان زمینه شادی و شغف آخوندهای تهران را مهیا ساخت که کرونا آمده و آن‌ها را یاری رسان خواهد بود تا بلکه

ادامه در صفحه ۳

مسئول اجرایی حزب دمکرات ۸ مارس روز جهانی زن را طی پیامی تبریک گفتند



«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در پیامی این روز را تبریک گفتند.

متن پیام این چنین است:

۸ مارس، روز جهانی زن، مناسبتی است که دستاورد و ترقی حقوق زنان در زمینه‌های مختلف را ارج می‌نهد. همزمان تداعی کننده وضعیت ستم و تبعیض علیه زنان است که دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد.

در همین رابطه، وضعیت ستم و

سرکوب و همچنان بی توجهی به زنان و حقوق آن‌ها در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، وضعیتی مداوم بوده، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۹ میلادی و بر اساس گزارش‌های جهانی، جمهوری اسلامی در شاخص برابری جنسیتی در میان ۱۹ کشور خاورمیانه، در کنار کشورهایی همچون سوریه، عراق، پاکستان و یمن رتبه ۱۶ را داراست.

طبق اساسنامه حزب دمکرات کوردستان ایران، برابری زن و مرد همچون یک اصل تثبیت و غیر

قابل تغییر بوده و همزمان در حال مبارزه برای تحقق این امر مهم هستیم، همچنین به عنوان یک پرنسپ دمکراتیک و جهانی، معتقد به آن و خواهان برابری حقوق زن و مرد در خانواده و جامعه هستیم.

۸ مارس بر همه زنان و مردان یکسانی خواه پیروز باد.
حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری

مصطفی هجری: درگذشت دکتر «کمال مظهر» ضایعه بزرگی بود برای ملت کورد و به ویژه حزب دمکرات



و خاطرات ایشان برای همیشه در دلهایمان جاودانه خواهد ماند.

به مناسبت درگذشت دکتر «کمال مظهر» مراتب تسلیت خود را به خانواده و اقوام و همچنین جامعه آکادمیک و دانشمندان میهن دوست عرض کرده و خود را در غم و اندوختن شریک می‌دانیم.

عرض ادب و احترام به جان پاک زنده یاد دکتر «کمال مظهر»
حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۲۷ اسفند ۱۳۹۹
۱۷ مارس ۲۰۲۱

همه زندگی پر بار خود را وقف تصحیح کردن تحریف‌هایی کرد که دشمن‌های ملت کورد با هدف برهم زدن تاریخ این ملت نوشتند؛ ایشان همچنین شخصیتی مهین دوست و مبارز بودند که در زمینه تخصصی خود خدمات شایانی به ملت و سرزمین خود کردند.

دکتر «کمال» دوست نزدیک رهبر شهید دکتر «قاسملو» و حزب دمکرات کوردستان ایران بوده و تا آخر عمر پر بار ایشان نیز این رابطه همچنان پابرجا بود.

در گذشت ایشان، ضایعه بزرگی برای ملت کورد و همچنین حزب دمکرات کوردستان ایران بود؛ یاد

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت درگذشت دکتر «کمال مظهر» مورخ نامی کورد، پیامی تسلیتی را منتشر کردند.

متن پیام این چنین است:

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت زنده یاد دکتر «کمال مظهر»

خبر درگذشت دکتر «کمال مظهر» در روز سه‌شنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۹۹ خورشیدی، موجب تاسف و تأثر همه ما شد.

زنده یاد دکتر «کمال مظهر» دانشمند و مورخی نامی بودند که

مراسم ۲۴ اسفندماه در کمپ «ژنیکان» برگزار شد



آواز کوردی «ئه‌ز کچم کچا کوردانم» و «هیوا باتوته» نیز آوازی به نام «دایه»، در این مراسم پیشکش کردند.

در این مراسم از ۳۲ زن مبارز که ۲۰ سال از عمرشان را صف مبارزه علیه متجاوزان خاک کوردستان بوده‌اند از سوی کمیته زنان کمپ «ژنیکان» با تقدیم «چامانه و گل» قدردانی شد.

این هدایا از سوی «مروارید مولودی، لیلا ربانی، مهناز چگین، آمین آذر مهر» به این زنان مبارز تقدیم شد.

این مراسم با شادی و پایکوبی شرکت کنندگان پایان یافت.

ایران پیام این اتحادیه به مناسبت ۲۴ اسفندماه تقدیم شد.

بعد از آن سرودی به نام «خه‌باتی ژنان» از طرف گروه سرود تقدیم شد. در ادامه این مراسم «کریم پرویزی» عضو هیات اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۲۴ اسفندماه در رابطه با شان و منزلت زنان مبارز کوردستان و جهان سخنانی را ارائه کرد.

در بخش دیگر این مراسم «زکیه سدی» شعری تحت عنوان «ژنان نیو شو‌رش» و خانم «گرینگ پیروتی» موضوعی به نام «سلاو له ژنه کورد» اجرا کردند.

همچنین «مهربان دهقان»

به مناسبت ۲۴ اسفندماه سالروز تأسیس اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران، در کمپ «ژنیکان» مراسم باشکوهی برگزار شد.

این مراسم با سرود ملی «ئه‌ی پ‌دقیب» از سوی گروه سرود و ادای احترام به مقام شامخ شهیدان کورد و کوردستان شروع شد.

در بخش اول این مراسم زنان کمپ «ژنیکان» غذاهای سنتی کورده‌واری که بخشی از فرهنگ ملت کورد می‌باشد را آماده کرده بودند.

سپس از طرف «شنه درودگر» دبیر اتحادیه زنان دمکرات کوردستان

سمیناری از سوی کمیته زاگرووس برگزار شد



در جامعه اعلام کرد، ما باید فرهنگ پذیرش یکدیگر و فرهنگ دمکراتیک را در خود تقویت کنیم.

دکتر «علیار» همچنین تأکید کرد منبع فرهنگ دمکراتیک احترام به فکر و اندیشه‌های متفاوت است؛ اگر بتوانیم این فاکتور را سرمشق خود قرار دهیم در واقع زیربنای یک اساس دمکراتیک را پایه‌ریزی کرده‌ایم.

بخش پایانی سمینار به بیان انتقاد و پیشنهاد شرکت کنندگان سمینار اختصاص یافت که از سوی دکتر «میرو» پاسخ داده شد.

خود بر چگونگی تشکیل فرهنگ اشاره نمود و بیان کرد با گذشت زمان در فرهنگ تغییراتی ایجاد می‌شود و گاهی از میان می‌رود یا برعکس می‌شود یا فرهنگی جدید پدید می‌آید.

ایشان در بخشی از سخنان خود اظهار داشت که تفاوت‌ها در جامعه دلیل قوی‌تر شدن آن جامعه است و بدون شک تفاوت‌ها در جامعه مشکلاتی به‌بار خواهد آورد و ما باید چاره‌ای برای این مشکلات ببینیم، برای اینکه این تفاوت‌ها را به فرصت تبدیل کنیم.

وی برای حل مشکل تفاوت‌ها

کمیته زاگرووس حزب دمکرات سمیناری در رابطه با فرهنگ دمکراتیک و اتیکت‌های سیاسی برای اعضای این کمیته، کادر و پیشه‌ورگه‌ها برگزار کرد.

کمیته زاگرووس در ادامه کار و فعالیت‌های خود، سمیناری برای دکتر «میرو علیار» عضو شورای سیاستگذاری حزب دمکرات تشکیل داد.

موضوع این سمینار فرهنگ دمکراتیک و اتیکت‌های سیاسی و فرهنگ پذیرش یکدیگر بوده است.

دکتر «علیار» در صحبت‌های

خشم اشغالگران کوردستان از حک نقشه کوردستان بر روی تمبر پاپ فرانسیسی



در امور داخلی کشورها، حاکمیت آن را زیر پا گذاشته و رسماً هیچ تعهدی نسبت به قوانین بین‌الملل ندارد.

همزمان "وزارت خارجه ترکیه" نیز اعلام کرده، برخی از مقامات اقلیم با سوء استفاده از سفر "پاپ" به اقلیم و با رونمایی از این چنین تمبری سعی در تحقق بخشیدن به خواب و خیالات خود دارند.

همه این عکس‌العمل‌های در حالی است، خود متجاوز بوده و سرزمین کوردها را اشغال کرده‌اند.

بودند که اعتراض کرده و خواستار پاسخگوی مقامات اقلیم کوردستان نسبت به چاپ و پخش چنین تمبری شدند.

"سعید خطیب زاده" سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران گفته است، اقلیم کوردستان با تقلب سعی کرده بخشی از استان‌های کورد ایران را به نقشه اقلیم اضافه کند.

"خطیب زاده" همچنین متذکر شد، این اقدام اقلیم خلاف معاهدات و قوانین بین‌المللی است.

سخنان "خطیب زاده" در حالی می‌باشد که سران رژیم با مداخله

همزمان با سفر تاریخی "پاپ" فرانسیس" رهبر کاتولیک‌های جهان به عراق و اقلیم کوردستان، وزارت حمل و نقل اقلیم کوردستان از ۶ تمبر رو نمایی کرد.

همزمان با ورود پاپ و طی استقبال باشکوهی از ایشان در فرودگاه بین‌المللی "هه‌ولێر" از این ۶ تمبر رونمایی شد.

بر روی یکی از این ۶ تمبر نقشه کوردستان بزرگ و عکس پاپ حک شده بود و انتشار تصاویر این تمبر در رسانه‌ها، موجب اعتراض و خشم اشغالگران کوردستان شد. ایران و ترکیه اولین کشورهای

رژیم ایران خانقاه «اخوت» در کرماشان را تخریب کرد



اداره اوقاف رژیم در استان کرماشان خانقاه "اخوت" را به بهانه فرسودگی و خطر فروریزی تخریب کرد. در پی تخریب این خانقاه از سوی اداره اوقاف به خاطر تاریخی بودن و مقدس بودن آن برای مردم، نارضایتی مردم را به دنبال داشته است. "محمد صالحی" مدیرکل اداره اوقاف رژیم در کرماشان برای بهانه تخریب این مکان مقدس گفته است: "این خانقاه در لیست آثار تاریخی سازمان میراث

فرهنگی به ثبت نرسیده و به مکانی برای معتادان تبدیل شده است و احتمال فرو ریختنش زیاد بوده و امنیت جانی شهروندان را به خطر انداخته بود". این بهانه‌های

رژیم فقط برای تخریب و از بین بردن آثار تاریخی و فرهنگی استان‌های کوردستان است که به بهانه‌های گوناگون سیاست‌های خود را در کوردستان پیش می‌برد.

مسئولان رژیم ایران در شهر «مه‌هاباد» در تلاشند تا مردم را برای شرکت در انتخابات سوق دهند

جنبه نمایشی و فرمالितه دارد و رژیم در این انتخابات از رای مردم سواستفاده می‌کند. دراین رابطه جوانان و روشنفکران منطقه "شاروێزان" از توابع شهرستان "مه‌هاباد" در پیامی از مردم خواستند هیچ کس خود را برای شورای شهر و روستا نامزد نکند و این انتخابات را بایکوت کنند؛ زیرا آشکار است که فقط تفرقه و فساد را برای مردم در پی

مسئولان رژیم ایران در "مه‌هاباد" نسبت به انتخابات شورای شهر نگرانند، به همین دلیل در تاریخ ۲۱ اسفندماه در فرمانداری این شهر جلسه‌ای تشکیل داده‌اند و تصمیم گرفته به هر طریق مردم و بخصوص کارمندان ادارات را ناچار کنند که خود را دراین انتخابات نامزد کنند. ملت کورد سالهاست برایش آشکار شده که انتخابات در ایران تنها

اطلاعات سپاه «مه‌هاباد» شوراهای شهر را وادار به جاسوسی در مراسمات نوروزی کرد



طبق اخبار رسیده به وب سایت «کوردستان میدیا»، اطلاعات سپاه «مه‌هاباد» شوراهای شهر را فرا خوانده تا در صورت شنیدن یا دیدن هر گونه آماده‌کاری برای اعتراض در حین برگزاری مراسم نوروز در اسرع وقت نیروهای سپاه

را مطلع، تا بلکه جلو برگزاری مراسم نوروز و انجام هر گونه حرکت اعتراضی را بگیرند. همزمان شوراها را مامور کرده تا در صورت مشاهده کسانی که مردم را برای عدم حضور در به اصطلاح انتخابات «شوراهای

خواهد داشت. در ادامه این پیام جوانان و روشنفکران "شاروێزان" اعلام کرده‌اند: "آشکاراست که شورای شهر و روستا هیچ قدرتی ندارند ونی‌توانند برای منفعت مردم کاری انجام دهند، حتی اگر منفعت مردم هم در اولویت کاریشان باشد به هیچ وجه رژیم اجازه این کار را به آنها نخواهند داد".



۳۳ سال پیش و در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۶، رژیم "بعث عراق" شهر "حلبچه" در کوردستان عراق را بمب شیمیایی هدف قرار داد و در نتیجه ۵ هزار نفر از ساکنین شهر شهید شدند. ارتش عراق با استفاده از جنگنده‌های بمبافکن خود به مدت ۵ ساعت "حلبچه" را با بمباران شیمیایی کرد. مدتی بعد از این جنایت رژیم بعث، فرستادگان ویژه سازمان پزشکان بدون مرز به منطقه آمده و اعلام کردند که، رژیم بعث از گاز خردل استفاده کرده است.

در اثر این بمباران شیمیایی بیش از ۷ هزار تا ۱۰ هزار نفر مسموم و زخمی شدند و عواقب این حمله نیز همچنان نوزادان تازه متولد شده را با نقص عضو و بیماری‌های مختلف دیگر درگیر می‌کند. "علی حسن مجید معروف به "علی شیمیایی" که فرمانده و عامل این بمباران شیمیایی بود در سال ۲۰۱۰ طی حکمی از سوی دادگاه اعدام شد.

تشکیل صفوف طولانی برای خرید قند در "پیرانشار"

ساکنین شهر "پیرانشار" به دلیل گرانی و کمبود "قند" در بازار، ساعت‌ها در صف‌های طولانی برای خرید چند کیلو قند می‌مانند. بر اساس گزارش رسیده به وبسایت "کوردستان میدیا" مردم "پیرانشار" برای تنها اختلاف ۵ هزار تومانی قیمت قند با بازار، برای ساعت‌ها در صف‌های طولانی و مختلط خرید قند منتظر می‌مانند. گرانی روزانه و عدم توان سران رژیم در مدیریت بازار و قیمت اقلام خوراکی، مردم کم‌درآمد که در حقیقت بخش اعظمی از جامعه ایران و کوردستان را تشکیل می‌دهند مجبور کرده تا برای خرید یک کیلو قند برای ساعت‌ها در فصل سرما در صفوف طویل منتظر بمانند. "حسن روحانی" رئیس جمهوری رژیم پیشتر در همین رابطه گفته بود، ما یک وزیر می‌خواهیم که به فکر زندگی مردم و مصرف مردم باشد، به فکر این باشد که توزیع چگونه انجام می‌شود. توزیع ما بی‌صاحب است و این مشکل اصلی ماست.

بی‌توجهی‌های سران رژیم موجب تخریب قلعه تاریخی «سیس هزار در» آبدانان شده است



تصاویر در شبکه‌های اجتماعی اعتراض خود را به بی‌توجهی‌های مسئولان رژیم به آثار تاریخی اعلام کرده و خواهان رسیدگی به این معضل شدند. به گفته ساکنین این شهر مدیران میراث فرهنگی رژیم مسئول از بین رفتن این آثار هستند.

قلعه تاریخی "سیس هزار در" واقع در شهر "آبدانان" استان "ایلام" در در سایه بی‌توجهی‌های سران رژیم، در حال از بین رفتن است. "آبدانان" به لحاظ قدمت تاریخی جاذبه‌های قابل توجهی دارد. اکنون این آثار تاریخی شهرستان آبدانان در حال نابودی هستند. شهروندان "آبدانان" با گذاشتن این

حلبچه

زخمی التیام نیافته بر پیکر کوردستان

ادامه سخن

هم مرگ را بیشتر و نیز ترس و فشار را عمیق‌تر کرده و همچنین واماندگی و درماندگی مردم را بیشتر کنند.

اما مسئله‌ای که هیچگاه نپذیرفته‌اند و مدام نیز متحیر آن بوده‌اند، آگاهی و از خودگذشتگی محبوب‌ترین فرزندان کوردستان یعنی پیشمرگه بوده که پیام تداوم مقاومت خود را به کوچه و دره و کوه و دشت و شهرهای کوردستان و برای ملت کورد بردند و پیام حمایت و پشتیبانی شهر را برای کوهستان به ارمغان آوردند.

با وجود همه تقلای‌های رژیم برای ایجاد جو و فضای ناامیدی ظرف سال و ماه‌هایی که گذشت، اما نوروز همیشه پیام آور رمز و راه‌های بزرگ سرزمین کوردستان بوده و آتش نوروز شعله امید را روشن‌تر و صفوف فرزندان جانفدا و مبارز را منسجهر کرده است. نوروز ۲۷۲۱ کوردی، احیای دوباره امیدهاست در کوردستان و همچنین زایش چشمه‌ساران است در کوهستان‌ها و مژده‌بخش آینده‌ای متفاوت برای کودکان شهر می‌باشد.

نوروز، امید به تداوم زندگی و کوره مبارزه را روشن‌تر و شعله‌ورتر می‌کند. نوروز ۲۷۲۱ کوردی، نوروز تجدید حیات و قیام انقلابی برای زیستن در کوردستان بر همه هم‌پنهان و خادمان میهنی نوین و بخصوص بر دل‌بستگان و رهروان راسان مبارک باد!

کوردستان

مصطفی هجری:

امیدوارتر و تواناتر از گذشته

سنگر کوردستان برای دفاع از آزادی محکم‌تر و آبادتر است

"مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسب سال نو کوردی پیامی را منتشر نمود. ایشان در این پیام تاکید کرده‌اند ما در حزب دمکرات کوردستان ایران بر این باور هستیم؛ سرنوشت مشترک باید به زیربنای مبارزه و همپیمانی همه جریان‌هایی که در عمل به دمکراسی و حقوق ملی ملت‌های تحت ستم در ایران باور دارند، تبدیل شود.

متن پیام بدین شرح است:
پیام نوروزی "مصطفی هجری"،
مسئول اجرایی حزب دمکرات
کوردستان ایران
هم میهنان گرامی!
مردم مبارز کوردستان!

در حالی به استقبال نوروز و سال نو ۱۴۰۰ خورشیدی می‌رویم که بحران‌های انباشته شده و حل نشده، که محصول و استمرار سیاست‌ها و مدیریت جمهوری اسلامی ایران است، همان تجربه تلخی است که نه فقط ملت‌های تحت ستم این کشور را دربر گرفته، بلکه دود آن به چشم کشورها و دیگر ملت‌های منطقه نیز رفته است.

اعتماد اجتماعی، یکی از فاکتورهایی می‌باشد که در فائق شدن حکومت‌ها بر بحران‌ها نقش بسزایی دارد؛ بر اساس نظرسنجی که شهرداری تهران انجام داده، ۵۰ درصد شهروندان هیچ اعتمادی به آمار و اواخر رژیم ندارند، به این معنا که رژیم در این زمینه نیز در بحرانی عمیق فرو رفته است. سازمان بهداشت جهانی به دنبال اشاعه ویروس کرونا در ایران اعلام کرد که سران جمهوری اسلامی، خبر اشاعه ویروس کرونا را دیر اعلام کرده‌اند. بدون شک بحران کرونا، یکی از آن رخدادهایی می‌باشد که فارغ از خسارات مالی و جانی، تاثیر همه جانبه‌ای بر دیگر مسائل نیز داشته است. اگر مشکلات و بحران‌های پیشتر ایران را مینا قرار دهیم، سال ۱۳۹۹، سالی لبریز از فاجعه و همراه با بحران‌های عمیق‌تر از گذشته بود.

رژیم از روزهای نخستین، ویروس کرونا را همچون پدیده‌ای امنیتی و تبلیغاتی جلوه داد. برعکس تبلیغات مسئولان ردبالاتی سپاه پاسداران راجع به کشف راهکارهای بنیادین، تا به امروز نیز، رژیم نتوانسته آثار ویرانگر این ویروس را لاپوشانی کند.

یکی از معیارهای جهانی برای تخمین میزان رفاه کشورها، معیار لگاتوم است. بر اساس این معیار، وضعیت رفاه کشورها بر اساس ۱۲ اصل، (امنیت، آزادی فردی، حکمرانی، ثروت اجتماعی، تولید، وضعیت کسب وکار، زیرساخت‌ها، کیفیت اقتصادی، وضعیت معیشت، بهداشت، محیط زیست و آموزش) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. طبق آخرین تخمین انستیتو لگاتوم، ایران در میان

۱۶۷ کشور جهان، مقام ۱۲۰ام را داراست.

برعکس ادعاهای سران جمهوری اسلامی، ظرف سالهایی که کشور تحت فشار تحریم‌ها بود، نه اقتصاد این کشور رشدی کرده و نه رفورمی برای بهبود معیشت مردم انجام شده است. سیاست خارجه رژیم بهانه‌ای برای تحمیل تحریم‌های بیشتر بر اقتصاد ایران بود و فساد سیستماتیک داخلی رژیم نیز موجب ناامیدی مردم از داشتن زندگی‌ای امروزی و مرفه شده است.

بعد از خروج آمریکا از توافق برجام، اقتصاد ایران در بحرانی تاریخی فرو رفته که حتی نسبت به دوران جنگ ۸ ساله ایران با عراق، عمیق‌تر و خسارات آن گسترده‌ترند. کاهش یا از دست دادن درآمد‌های نفتی، علت کثری بودجه است. در کل قیمت‌ها افزایشی دو برابر را تجربه کردند، ارزش تومان چند برابرسقوط کرده، حجم اقتصاد ایران کوچک‌تر و قدرت اقتصادی شهروندان در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال گذشته آن ۲۵ درصد کاهش یافته است.

در سال گذشته رژیم دچار کسری بودجه شد و در نتیجه این کسری فشاری کمرشکن به مردم آورده تا بلکه بتواند با جمع‌آوری مالیات سال‌های گذشته بخشی از کثری را جبران کند، این اقدام در حالی بود که ویروس کرونا همه بازارها را برهم ریخته و طبق آمار مردم نسبت به سال گذشته ۷ درصد فقیرتر شدند، در سال جاری نیز با وجود ویروس کرونا ۳ میلیون نفر کار خود را از دست داده و سرنوشت کار ۵ میلیون نفر نیز تا به امروز نا مشخص و حکومت هم هیچ حمایتی از بازار و معیشت مردم نکرده است و هم‌زمان بازار سپاه در ایران گسترده‌تر شده است.

امسال نیز دوباره استان‌های کردستان بیشترین درصد بیکاری و تورم را در سطح کشوری ایران داشته‌اند و در میان استان‌های کوردستان نیز، کرماشان بیشترین آمار بیکاری را دارد. ایلام و کرماشان طبق آمار رسمی دو

شهر فلاکت‌بار بوده و هم‌زمان با افت شدید ارزش تومان و توزیع دلار با نرخ دولتی در مرکز ایران، مردم کورد نسبت به سال‌های پیش فقیرتر شده‌اند.

زنان دو برابر مردان قربانی بحران اقتصادی شدند، کمتر کشوری پیدا می‌شود که فضای کار برای زنان همچون ایران محدود باشد. کشوری که ساکنین زن بالای ۱۵ سال آن بیش از ۳۱ میلیون نفر می‌باشد، تعداد زنان صاحب کار کمتر از ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است. در سال ۱۳۹۹، میزان بیکاری زنان ۱۴ برابر بیکاری مردان بوده، با این وجود و به علت وضعیت کرونایی به نظر می‌رسد خشونت خانوادگی علیه زن، کودک و سالخوردگان افزایش داشته باشد، اما هیچ گونه آماری قابل اعتماد در این باره وجود ندارد.

تعداد اشخاص مبتلا و همچنین قربانیان ویروس کرونا حداقل ۳ برابر آمارهای رسمی است. بحران ریشه‌ای بهداشت در کوردستان زمانی وضعیت فاجعه‌بار خود را نمایان خواهد می‌کند که آمار پرسنل درمانی در کوردستان نصف استاندارد جهانی و میزان تخت ICU کمتر از يك سوم استاندارد جهانی می‌باشد.

در ارتباط با زندگی کارگران و قشر فقیر جامعه در سال ۱۳۹۹، بایستی بگویم طبق برآورد فعالان کارگری، بیش از ۹۰ درصد کارگران در زیر خط فقر قرار دارند. فشار اقتصادی به حدی است که کیفیت زندگی و خوراک مردم مدام در حال کاهش است. حتی قشر کارمند نیز به زیر خط فقر آمده، هم‌زمان با آن قشر بازنشسته هم به دلیل ناچیز بودن حقوق و به علت ورشکستگی صندوق بیمه بیش از پیش در معرض خطر قرار دارند. شیوع ویروس کرونا، باعث شده که شکاف طبقاتی رو به افزایش رود.

غیر از این که دسترسی ساکنان مناطق ملت‌های غیر فارس به امکانات و لوازم پزشکی و بهداشتی به میزان لازم نیست، بعد

از تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، خلا دیجیتالی و نبود لوازم آموزش و ضعف خطوط اینترنت، کودکان کوردستان را با خطر ترک تحصیل و بی‌سوادی مواجه می‌کند.

فقط طی یک سال گذشته؛ ۲۳۰ کولبر و کاسبکار به علت شلیک نیروهای نظامی و امنیتی رژیم مورد هدف قرار گرفته‌اند و در نهایت ۶۷ نفر کشته و ۱۶۳ شهروند دیگر مجروح شده‌اند. از مجموع ۳۴ شهروند مدنی که مورد هدف قرار گرفته‌اند ۱۵ نفر جان خود را از دست داده و ۱۹ نفر دیگر مجروح شده‌اند. از مجموع ۴۰ قربانی مین، ۱۱ نفر کشته و ۲۹ نفر دیگر زخمی شده‌اند. همچنین ۲۲۳ مورد خودکشی (۱۱۷ زن و ۱۰۶ مرد) ثبت شده است، در سرزمین ملت‌های غیرفارس مانند بلوچستان، کشتن کاسبکاران و سرکوب معترضان شهر سراوان نمونه‌ای است از سرکوب سیستماتیک و ستم چند برابری علیه این ملت‌ها.

علاوه بر وضعیت فروپاشیده اقتصادی و بحران کرونا، در سال گذشته جمهوری اسلامی ایران بر سیاست همیشگی خود یعنی دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، آزمایش موشکی و برنامه اتمی خود مصر بوده است. جمهوری اسلامی ایران از طریق شبکه‌های گسترده شبه‌نظامیان و گروه‌های تحت نفوذ خود، جنگ نیابتی را در اولویت خود قرار داده و به مثابه کارت فشار علیه کشورهای منطقه استفاده کرده است. از طریق این نیروها؛ طی یک سال گذشته بصورت مستمر منافع کشورهای عربی و آمریکا را در منطقه مورد هدف قرار داده است. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم ایران در چند کشور جهان سعی در ترور و بازداشت و ربودن مخالفینش کرده است. فرماندهان سپاه پاسداران اعتراف می‌کنند که در مدت ۳۰ سال اخیر ۱۷ میلیارد دلار از ثروت عمومی را صرف امور دیپلماسی، فعالیت‌های نظامی و عملیاتی در منطقه کرده‌اند. اما وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده

که از سال ۲۰۱۲ به بعد ایران ۱۶ میلیارد دلار را صرف ترور و همپیمان‌های خود کرده است. ماهیت این انحصارطلبی که تهران به گفتمان مذهبی و ایدئولوژیک گره زده است، دیگر برای جامعه جهانی موضوعی ناآشنا نیست. رژیم ایران برای انحراف اذهان عمومی به ویژه در داخل، گاهی اوقات از فاکتور مذهب، گاهی اوقات نیز از فاکتور "شکوه ایران بزرگ" استفاده کرده است.

حداکثر هزینه، حداقل دستاورد باو بوجود تمامی این بحران‌ها در ایران، آنکه جالب توجه است انفعال رژیم جهت حل این بحران‌های فراگیر داخلی و خارجی است. در واقع این مردمان ایرانند که باید هزینه یاغیگری‌های رژیم را بپردازند.

در سطح منطقه‌ای، ائتلاف‌های پیدا و پنهان علیه رژیم ایران در جریانند. همگرایی اسرائیل و کشورهای عربی و عادیسازی روابطشان، که انتظار گسترش آن نیز می‌رود، در راستای فشار بر رژیم و منزوی کردن آن انجام میگیرد. هدف قرار گرفتن قاسم سلیمانی فرماند سپاه قدس، "ابومحمد مصری" نفر دوم القاعده و "محسن فخریزاده" مسئول اتمی رژیم، در تهران، شکاف امنیتی و ضعف دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم را برملاتر ساخت. انزجار از سیاست‌های رژیم ایران و دخالت‌هایش در کشورهای منطقه، نزد نسل نوین و افکار عمومی بویژه در کشورهای عراق و لبنان و افغانستان که عملادر کف خیابانها و تظاهرات مردمی بروز یافته‌اند، اشاره‌ای دیگر به شکست سیاست‌های رژیم می‌باشند.

در سطح بین المللی، برنامه موشکی ایران که به تهدیدی علیه کشورهای عربی، اروپا و آمریکا و منافع آنها در منطقه تبدیل شده، بر سر میز مذاکرات آنها قرار دارد و آمریکا و اروپا بر سر آن متفق هستند. معادله‌ای که در شرف وقوع است گمان نمی‌رود به سود رژیم تمام شود. در صورت توافق یا ادامه شرایط کنونی در روابط ایران

و آمریکا نیز، مجموعه‌ای اما و اگر و رخداد انتظار می‌رود، و باید توجه نمود که رژیم ایران در هر دو سطح داخلی و خارجی در شرایط ضعیفی است و رو به ضعف بیشتر می‌نهد.

طی سالیان اخیر، به علت فشارهای اقتصادی، اعتراضات مداوم علیه بحران‌های موجود که به صورت دوره‌ای تکرار شده‌اند، مانند موجی ویرانگر ستون‌های قدرت را به لرزه افکنده است. هر کدام از این امواج اعتراضات در نتیجه و ادامه موج قبلی و هر بار بخشی از طبقه و اقشار جامعه را در بر گرفته است. تلنبارشدن شکست‌های رژیم و ناامیدی مردم از این شرایط، موجب آن شده که اعتراضات علیه سیاست‌های رژیم گسترده‌تر شود، سیاست‌هایی که بیشترین هزینه آن بر دست مردم و ماحصل آن نیز به سفره قدرت رسیده است.

برای گذار از این شرایط و پایان‌دادن به وضعیت زیردستی، برای رسیدن به حقوق ملی و دمکراتیک که همه ملت‌ها احساس حق حاکمیت و امنیت ملی و کرامت خود بکنند؛ ما در حزب دمکرات کوردستان ایران بر این باور هستیم: سرنوشت مشترک باید به زیربنای مبارزه و همپیمانی همه جریان‌هایی که در عمل به دمکراسی و حقوق ملی ملت‌های تحت ستم در ایران باور دارند، تبدیل شود. بر این عقیده هستیم که موقعیت ضعیف رژیم، زمینه‌ای مناسب برای مبارزه و تلاش در راستای سرنوگونی این نظام و بنیان نهادن سیستمی دمکراتیک و فدرال فراهم کرده است. نسبت به کوردستان ایران در سال ۱۴۰۰ نیز مانند سال‌های قبل بر همگرایی و همکاری احزاب مبارز و متحدکردن نیرو و توان و فرصت‌ها تاکید می‌کنیم برای دستیابی به کوردستانی مقتدر و موثر برسیم. به تداوم مبارزه راسان همچون اصلی اساسی می‌نگریم. پیوستن زنان و مردان مبارز و انقلابی به صفوف نیروی پیشمرگه کوردستان در سال ۱۳۹۹، نیرو و توان بیشتری به مبارزه برای آزادی و رهایی سرزمینمان کوردستان داده است. به همین دلیل اعلام می‌کنیم امیدوارتر و تواناتر از گذشته سنگر کوردستان برای دفاع از آزادی محکم‌تر و آبادتر است.

در پایان، سال نو و نوروز کوردی را به همه آحاد ملت وفادار کوردستان، خانواده شهدا، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان، نیروی پیشمرگه کوردستان و همه کسانی که در راه مبارزه و آزادی کوردستان جانفشانی و فداکاری کرده‌اند تبریک می‌گویم.

حزب دمکرات کوردستان ایران

مسئول اجرایی

مصطفی هجری

بی تفاوتی اجتماعی، خاستگاه توتالیتاریسم

سندوس

هانا آرنت در کتاب «توتالیتاریسم»، چگونگی شکل گیری سیستم های توتالیتزر را توضیح می دهد. در این سیستم ها، انسان خود، کثرت، دیگری و فضای عمومی را از دست داده و در تعریف انسان و دفاع از کثرت می گوید: «ما انسانها هستیم نه انسان.» و بزرگترین نقد ایشان به «مارتین هایدگر»، در حوزهی فلسفه، این است که می گوید هایدگر به دنبال جوهر انسان است، در حالیکه چیزی به اسم جوهر انسان وجود ندارد، ما انسانهایی هستم که در تاریخ زندگی کرده و هرکدام متفاوت می‌باشیم و تنها راه نجات ما همین است که قبول کنیم که انسانها هستیم.

در واقع نظام‌های توتالیتزر کاری که می کنند این است که کثرت را از بین می برند و می خواهند انسانها را تبدیل به یک انسان واحد کرده، در حالیکه ما کثرت هستیم.

آرنت می گوید: استبداد مثل یک برهوت است و شرایط زندگی انسان را دشوار می کند، اما توتالیتاریسم طوفان شن است. طوفان شنی که زندگی را مدفون و جهان را خفه و محو می کند، توتالیتاریسم چیزی خیلی فراتر از شرایط دشوار استبداد است، توتالیتاریسم جهانیت ما را می گیرد و توان جهان سازی را نابود می کند و وجودش مبتنی بر ساختن انسان جدید است و آن هم انسانی نامتمهد نسبت به فضای عمومی.

اینجا معلوم می‌گردد که تحلیل آرنت یک تحلیل پدیدارشناسی مبتنی بر مفهوم انسان است، و می‌خواهد بگوید که ظهور نظام های توتالیتزر مبتنی بر انسانی است که تفاوت های کیفی با انسان های قبل از خودش دارد، آتیم ظهور انسان هایی است که در بی خردی غوطه‌ور هستند.

در سیستم های استبدادی دولت یک ماشین خشونت و اعمال قدرت مثل پولیس و باتوم را داراست. اما در سیستم های توتالیتزر، وسایل و ابزار خشونت و ارباعب و چیرگی را از درون انسان کشف کرده‌اند، ارباعب بیرونی نیست بلکه درونی بوده و درون انسانهای تنها، لبریز از وحشت است و انسانها افرادی زائد و اضافی قلمداد می‌گردند.

هانا آرنت دو نوع حکومت را در کشورهای اروپایی بازشناسی می کند:

الف) کشورهای امپریالیستی، مانند انگلستان و فرانسه، که مستعمراتی در آفریقا داشتند و انسانهای اضافه و زائد را که نمی توانستند با آنها کنار بیایند به آنجا می فرستادند.

ب) کشورهایی مثل آلمان و روسیه هم بودند که مستعمره نداشتند، به‌همین جهت یهودی ها و آدم های جدا فکر را همانجا می کشتند و سر به نیست می کردند. تاملات انتقادی هانا آرنت در دو جا بسط داده شده است، مقاله‌ی «چیستی حقوق بشر» و «زوال دولت — ملت» و حقوق بشر.

آرنت میان «استبداد» و «توتالیتاریسم»، تفاوت قائل شده و نتیجه و حاصل یک حکومت توتالیتزر را نابودی زندگی انسانی می داند. وی دلیل شکل گیری حکومت های توتالیتزر را ظهور توده‌ها، بواسطه‌ی فروپاشی و اضمحلال ساختار طبقاتی که بر مبنای منافع مشترک جمعی شکل گرفته بودند می داند و توده را جمعیتی منزوی، تک افتاده و تنها تعریف می کند که نه به دلیل نیازها و اهداف مشترک، که به واسطه‌ی خلاء هویتی در خدمت اهداف اقلیتی خاص در قالب سازمانی سیاسی قرار می گیرد، دمکراسی توده‌ها در واقع کارکردی ضد دمکراتیک داشته و بر خلاف دمکراسی اصیل که حکومت اکثریت است، منجر به حکومت اقلیت می شود. تبلیغ و ترور دو ویژگی اصلی حکومت های توتالیتزر هستند که از دیدگاه آرنت از ایدئولوژی نیز موثرترند. توده‌ها بواسطه‌ی انزوا و تنهایی از خرد جمعی بی بهره بوده لذا به تخیل بیش از عقل بها می دهند، بدین واسطه تبلیغات ابزار کارایی برای جهت دادن به اذهان آنها می باشد، تبلیغات تصویری جعلی از واقعیات ارائه داده که به مرور در اذهان توده‌ها ثبت می شود.

از طرفی سازمان توتالیتزر این جهان جعلی خلق شده توسط تبلیغات را به جای واقعیت جا می زند. در این میان ترور و ارباعب نیز به منظور تحقق بخشیدن به اصول ایدئولوژیک و دروغ های جعلی بکار می رود. در حکومت های توتالیتزر، توده و بویژه هواداران حکومت جلوه‌ای ظاهری به حکومت بخشیده که تصویری متفاوت از واقعیت را هم برای ناظران خارجی و هم اعضای جامعه‌ی توتالیتزر ایجاد نمایند. در جوامع توتالیتزر با وجود اینکه توده‌ها به دلیل انزوا و حس تنهایی و تک افتادگی به این جنبش می پیوندند، هیچگونه هویت و تشخیصی نمی یابند، بلکه بر عکس هویت و شخصیت مردم در قالب هدف یا شخصیتی خاص در جامعه‌ی توتالیتزر که همان رهبر است فرو کاسته می شود. به اعتقاد ایشان توتالیتاریسم از درون و مبتنی بر رضایت است، اما رضایت ناشی از عقل باختگی،

دمکراسی هم مبتنی بر رضایت است، اما رضایت مبتنی بر عقلانیت. در واقع هانا آرنت می‌خواهد بگوید که چگونه رژیم های توتالیتزر شکل می‌گیرند و کثرت را از انسان ها می‌گیرند و نابودش می‌کنند و اساسا نابودی کثرت هم یعنی نابودی انسان ها، جهان او و فضای عمومی.

بنیان بحث های هانا آرنت آنجایی که از خودبیگانگی صحبت می کند و از بین رفتن ساختار طبقاتی، جامعه‌شناختی می باشد، ایشان معتقد است که رژیم های توتالیتزر جامعه‌ی توده‌ای می سازند و بنیان تمامی این استدلال ها بر این است که مفهوم توده خلق شود. مفهوم توده یعنی انسان های منزوی، تک افتاده و تنها، البته انزوا و تک افتادگی به تنهایی نمی‌توانند رژیم های توتالیتزر را ممکن سازند، اصل مشکل تنهایی است.

آرنت در مورد سه نوع تنهایی صحبت می‌کند:

الف) تنها با خودش است
ب) جسما در بستر اجتماعی حضور دارد، اما با دیگران نیست و تنهاست

پ) نه باخودش هست و نه با دیگران، تنهایی مطلق
مورد سوم بدترین نوع تنهایی ست، سیستم های توتالیتزر کیس‌های مورد علاقه‌ی خود را از تنهایی نوع سوم انتخاب می‌کنند.

تنهایی یعنی از دست دادن جهان، انسان های تنها، فرایند گفتگو با دیگران برایشان منتفی گردیده است و وارد فضای عمومی نمی شوند و تعامل نمی‌کنند، عقلانیت مشترک با دیگران را ندارند تا بتوانند به عقل مشترک با دیگران اعتماد کنند، انسان های تنها دارای جهانی مجهول هستند و این جهان مجهول، ساخته‌ی رژیم های توتالیتزر است، آنها این مجهولات را بجای واقعیت می‌گذارند و در دیدن این جهان مجهول تا جایی پیش می‌روند که رژیم های توتالیتزر باور می‌کنند واقعیت همان واقعیت مجهول می باشد. این انسان های تنها، هم حاصل رژیم های توتالیتزر هستند و هم آنرا تقویت می‌کنند.

همچنانکه گفته شد رژیم های توتالیتزر حاصل از بین رفتن ساختار طبقاتی هستند. اما در

نظریه‌ی فرهنگ می‌گویند بعضی مسائل اساسی وجود دارند که انسان ها خودشان سازنده‌ی آنها هستند، مثلا اجتماع، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و این هم مسئله‌ی مارکس بوده و هم دورکیم و ماکس وبر و هم اغلب جامعه‌شناسان، اینکه این جهان در مقابل ما می‌ایستد. اما مسئله‌ی اصلی جامعه‌شناسی فرهنگی این است که تمامی مسائلی که انسان خودش سازنده‌ی آنهاست، به خود انسان برگردانده شود. جامعه‌ای که در مقابل ما ایستاده است و به قول دورکیم ساختاری، جبری و بیرونی و به قول مارکس از ما بیگانه شده و به قول ماکس وبر افسون زدایی شده است، چگونه می‌توان مجددا به آن افسون داده و به انسان برگردانده شوند؟ تا انسان ها بتوانند با آنها زندگی کنند و تبدیل به انسان اجتماعی گردند.

راه حل این اندیشمندان این است، چون اینها از جنس سخت هستند و سخت افزار جامعه محسوب می‌گردند - قواعد، مقررات، هنجارها، ارزش ها و ... - که بیانگر همین نهادها هستند، باید تبدیل به یک چیز نرم شوند، یعنی یک چیزی از جنس ذهن و فکر که همان فرهنگ است. اگر جامعه بتواند این سخت افزارها را تبدل به نرم افزاری از جنس فرهنگ بکند، فرهنگ وارد ذهن انسان می‌شود، و ذهن هم با ذهن دیگری ارتباط برقرار نموده و تبدیل به جهان مشترک می‌گردد. جهان مشترک، یعنی جهان عینی شده در مقابل ما، با تمامی ابعاد ریز و درشتی که ادبیات، شعر، فلسفه، گفتمان های روزمره، سخنرانی، جزوه‌ی درسی، کتابهای درسی و دانشگاهی، باید نرم گردند. تا برگردند به ذهن انسان و از این طریق باید جهان مشترک بسازیم و در کنار هم زندگی کنیم.

هانا آرنت می‌گوید رژیم های توتالیتزدقیقا همین‌ها را نابود می‌کنند، یعنی فرهنگ و ساختار طبقاتی را، در چنین وضعیتی افراد جامعه بدون وابستگی و هویت و اهداف مشترک خواهند شد. نکته‌ی مهمتر این است که جهان بودگی ما را نابود می



کنند، چون انسان دارای جهان است.

آرنت تفکیک قائل بود بین سه نوع فعالیت انسان:

۱) زحمت (Labour)
۲) کار (work)
۳) عمل (Action)

در سیستم های توتالیتزر، زحمت به ارزشی تعیین کننده در عرصه‌ی عمومی تبدیل می‌شود و راه را برای ایدئولوژی های تمامیت خواه باز می‌کند، هرچند این سیستم ها تمامی قلمروها را نابود کرده و توده‌ها را دچار مرض بی تفاوتی و بی خویشنی می‌کنند، البته این تنها مبتنی بر این نیست که ساختار طبقاتی از بین رفته و اجازه نمی‌دهند جهان مشترک خلق بشود و ما با همدیگر گفتگو کنیم. نقطه قوت رژیم های توتالیتزر از بین بردن فضای عمومی و سیاست است، البته سیاست نه به معنای حکومتمدنی «فوکو»ای، بلکه به معنای عام اجتماعی، همچون عدالت، برابری، حقوق انسان و ... مثلا همان بچه یا افرادی که از سطل آشغال خورودخوراک خود را تهیه می‌کنند، کسی در مورد آنها صحبت نمی‌کند و لب نمی‌گشاید.

آرنت یادآور می‌شود که سیستم های توتالیتزر مبتنی بر دو نوع دستگاه سرکوب عمل می‌کنند:

۱) دستگاه پولیس و سرکوب که بیرونی است و افراد مضنون را تعقیب می‌کند. (خشونت)
۲) دستگاه سرکوب درونی و مخفی، که با دشمن عین جنایت محتمل کار می‌کند.

مورد دوم یعنی تو جنایت نکردی، احتمالا جنایت خواهی کرد، از نگاه آرنت، احتمالا جنایت خواهی کرد یعنی اینکه نکنه بخواهی دوباره فضای عمومی را ایجاد کنی و بسازی. بزرگترین جنایت از دید سیستم های توتالیتزر این است که کسی متهم شود به اینکه بخواهد فضای عمومی، ایجاد کند.

این است که گفته می‌شود وظیفه‌ی پلیس در این نظام ها تمام ناشدنی است، رژیم‌های توتالیتزر اصلا دنبال این نیستند که به ثبات دسترسی پیدا کنند، حیات رژیم های توتالیتزر بی ثباتی جامعه

است و همیشه باید در زندان ها و شکنجه‌گاه‌ها باز باشد، چون پویش این سیستم به این است که افراد جامعه را همیشه گناه‌کار قلمداد کند.

«گناه»، «بی ثباتی» و «هرج و مرج» سه مقوله‌ی عامی هستند که رژیم های توتالیتزر بر روی آنها مانور می‌دهند، این رژیم ها همزمان هم بی ثبات هستند، هم هرج و مرج طلب و هم مستبد، از بالا فشار می‌آورند و مستبد هستند، و از پایین هم هرج و مرج را دامن می‌زنند و اجازه‌ی ظهور عقلانیت و گفتگو و خلق سیاست را نمی‌دهند.

در چنین جوامعی، افراد اذلت می‌گیرند و گوشه‌نشین اندیشه‌ها می‌شوند. سوژکتیویته‌ی افراطی حاصل این فضاست. این همه فیلسوف و ترجمه‌ی کتابهای فلسفی بخاطر همین است، در چنین جوامعی تعداد افرادی که به حقوق مدنی و سیاسی اعتراض داشته باشند انگشت شمار است، در حالیکه به وفور کتاب ترجمه می‌شود. این اذلت حاصل گسترش فلسفه نیست، بلکه حاصل نظام توتالیتتری است که اجازه‌ی هیچ فعالیتی را به انسان نمی‌دهد، این است که افراد یا دچار سوژکتیویته‌ی افراطی فلسفی می‌شوند و یا به تنهایی خاص خودشان پناه می‌برند و اینجاست که تکثر انسانها از بین می‌رود.

سوژکتیویته‌ی افراطی وضع بشر را نابود می‌کند، وضع بشر به معنای هرآنچه دستاورد و حاصل کار فکری انسان است و تماما توانایی های وضع بشر به بی‌راهه می‌رود.

یکی از مورد شکستن قوه‌ی تخیل انسان تعامل با دیگران است، اصولا فرد بدون دیگران هیچ قلمداد می‌گردد، همچنانکه لاکان می‌گفت هویت دگربنیاد است و جامعه‌ی پویا جامعه‌ای است که افرادش همدیگر را «تو» خطاب می‌کنند، در چنین شرایطی انسان احساس بودن خواهد کرد، جامعه‌ی توتالیتزر با سرکوب شدید هویت تکثر را ناممکن می‌کند، البته بواسطه‌ی از بین بردن و سرکوب فضای زبانی.

وقتی این اتفاقات می‌افتد و مردم منزوی و تنها خواهند ماند، بهترین امکان مهیا می‌گردد تا ایدئولوژی رشد و افراد را سازماندهی کند، و اینجاست که جنبش توتالیتزر شکل می‌گیرد. جنبش توتالیتزر حاصل انسانهای تک افتاده، منزوی، تنها و فاقد جهان است و با اعطای یک جهان مصنوعی تحت عنوان ایدئولوژی آنها را در اوج بی خردی و غیر عقلانی دور هم جمع می‌کند. سازمان و تبلیغات دو رکن اصلی سیستم های توتالیتزر محسوب می‌گردند.

تبلیغاتش چیزی است که ایدئولوژی را ممکن می‌کند، بدین شیوه به مردم امکان می‌دهد که صاحب یک جهان جعلی شوند و این جهان جعلی را بجای واقعیت بگذارند و از رابطه‌ی

ادامه در صفحه ۶

از وصف جنگ به عنوان نعمتی الهی تا شهیدسازی برای بقاء



را از بدنش جدا کردند تا از این طریق بریده شدن سر محسن حججی را با سر بریدگان قیام عاشورا و صحرای کربلا مرتبط سازند و از طریق آن به سیاست‌های جنگ طلبانه‌ی خود مشروعیت داده و احساسات مردم مخصوصا پیروان مذهب شیعه را جریحه‌دار نمایند!

و در آخر اگر بخواهیم رژیم جعلی جمهوری اسلامی ایران را در قالب درختی از جنس ظلم فرض کنیم باید بدین گونه آن را وصف کرد؛ رژیم در بلو تأسیس مانند نهال کاشته شده بر خاکی غصبی بود که رشد و نمو آن فقط با خون میسر می‌شد به گونه‌ای که نهال کاشته شده هر چه خون بیشتری به پایش ریخته می‌شد و خون بیشتری می‌مکید، ریشه‌هایش گسترده‌تر و تنه‌اش ضخمت‌تر می‌شد به همین دلیل ریشه‌کن کردن درخت ظلم و پس گرفتن زمین از غاصبان برای صاحبان اصلی زمین روز به روز دشوار تر می‌شود چون نهال ظلم با گذر زمان به درختی ویرانگرتر از قبل تبدیل خواهد شد!

خشکاندن یا ریشه‌کن کردن نهال ظلمی که امروزه به درختی ضمخت تبدیل شده است نیازمند به اتحاد، عزم و اراده‌ی همه‌ی ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران است، ایده‌ای که حزب دمکرات کوردستان ایران سالهاست بر اجرای آن تأکید می‌کند.

جامعه به منظور تبلیغ برای حضور گسترده در جنگ‌هایی بود که خود آغاز کننده و عامل گسترش آن بود. بعنوان مثال رژیم جنازه‌ی کشته‌شدگانی را که در جنگ‌هایی که از آن به عنوان برکت و نعمت از جانب خداوند یاد می‌کرد را تکه تکه و تحویل خانواده‌هایشان می‌داد، این درحالی بود که جنازه‌هایی که تحویل داده

کوردستان عبور می‌کند؛ کودکان و نوجوانانی را راهی میادین جنگ می‌کردند که هنوز به بلوغ فکری نرسیده بودند و همچنین به گونه‌ای جنگ را در ذهن هایشان تجسم می‌کردند که کشته شدن در جنگ شهید شدن در راه خدا و اسلام است. عمدتا رسالت تزریق چنین تفکراتی بر دوش آخوندها و بسیجی‌هایی سپرده شده بود که در

جنگ و دستاوردهای آن نگاهی داشته باشیم این چنین باید گفت که رژیم از طریق جنگ پروسه‌ای درازمدت را آغاز کرده است که به وسیله‌ی آن آزادیخواهان را کنترل و کم کم از میان بردارد و همچنین با استفاده از ترفندهایی که فقط از طریق جنگ می‌تواند آنها را اجرای نماید برای خود هوادارانی پیدا کند، برای نمونه در این زمینه

رژیم در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق و جنگ در کوردستان با استفاده از آموزه‌های دینی و مذهبی مانند: جهاد در راه خدا و جنگ با کفار و همچنین شعارهایی همچون راه کربلا از کوردستان عبور می‌کند؛ کودکان و نوجوانانی را راهی میادین جنگ می‌کردند که هنوز به بلوغ فکری نرسیده بودند و همچنین به گونه‌ای جنگ را در ذهن هایشان تجسم می‌کردند که کشته شدن در جنگ شهید شدن در راه خدا و اسلام است.

میشد تکه تکه شدندشان بعد از مرگ و آنسوی سنگرهای جنگ به وسیله‌ی عوامل خود رژیم انجام می‌گرفت! چنین اعمالی امروزه نیز توسط رژیم تروریستی جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته می‌شود، نمونه‌ای که می‌توان به آن اشاره داشت تراژدی جدا کردن سر محسن حججی بسیجی که به عنوان مدافع حرم به جنگ سوریه فرستاده شده بود، در واقع عوامل خود رژیم در صحرایی در کنار چند خیمه سر محسن حججی

حسینه و مسجدهای رژیم کارشان فقط شست و شوی مغزی کودکان و نوجوانان بود.(تاکتیکی که گروه‌های تندرو اسلامی از جمله داعش از آن استفاده به عمل می

آورند). تاکتیک دیگری که رژیم در جنگ مخصوصا در جنگ کوردستان به دلیل ممانعت از جنگ توسط ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران با ملت کورد آن را مورد استفاده قرار می داد جریحه‌دار کردن احساسات خانواده‌ی قربانیان جنگی و

می‌توان به ترفند شهید سازی اشاره کرد، رژیم با استفاده از چنین ترفندی، در صدد است که خانواده‌ی کشته شدگانی را که با فریبکاری و در بسیاری از موارد به زور به میدان جنگ فرستاده می‌شوند را به هوادارانی مخلص برای رژیم تبدیل سازد، برای نمونه؛ رژیم در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق و جنگ در کوردستان با استفاده از آموزه‌های دینی و مذهبی مانند: جهاد در راه خدا و جنگ با کفار و همچنین شعارهایی همچون راه کربلا از

حزب جمهوری اسلامی عاملی بازدارنده در مقابل اعتراضات مردمی و همچنین ابزاری برای جذب هوادار از طریق عوام فریبی به شمار می‌آمد، وجود چنین ویژگی‌هایی بود که جنگ را به یکی از سیاست‌های اصلی و جدایی ناپذیر از برنامه‌ی راهبردی رژیم جعلی جمهوری اسلامی تبدیل ساخت، سیاستی که تا به امروز نیز یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. اگر از سویی دیگر به مقوله‌ی

پیشوا صالحی

پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری پهلوی توسط جنبش‌های مردمی و جابجایی قدرت در جغرافیای سیاسی ایران، رژیم نامشروع، خودکامه و تازه به قدرت رسیده‌ی جمهوری اسلامی هر چه بر عمر ننگینش افزوده می‌شد خطر سرنگونی را بیشتر احساس می‌کرد به همین دلیل برای ممانعت از شورش و خیزش مردم انقلابی که دسترنج سال‌ها تلاش و رشادتشان توسط خمینی و حزب جمهوری اسلامی به غارت رفته بود، با استفاده از ترفندهای فریبکارانه‌ای از جمله درگیرکردن کشور به جنگ‌های داخلی و خارجی وارد مرحله‌ای تازه شد. خمینی و هوادارانش از همان اوایل تشکیل رژیم جعلی و نامشروعشان به منظور جلوگیری از سرنگونی، با استفاده از ترفندهای گوناگونی از جمله اتکا به جنگ و ایجاد دشمنان فرضی وارد جنگ‌هایی خونین در کوردستان و عراق شده و جنگ را نعمت و برکتی الهی از جانب خدا اعلام کردند، انجام چنین اعمالی به منظور حذف فیزیکی مبارزین انقلابی یا تغییر تفکر مردم آزادی‌خواهی بود که برای سرنگونی رژیمی که با سوار شدن بر موج انقلابی که با ریخته شدن خون هزاران تن از زنان و مردان آزادیخواه ملیت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران به ثمر رسیده بود.

پرسش تأمل برانگیزی که در این رابطه به میان می‌آید این است که چرا باید جنگ نعمت و برکتی از جانب خداوند باشد؟

طرح چنین نظریه‌ای از جانب رژیم تروریستی همچون جمهوری اسلامی ایران، بنا به ماهیت و سیستمی که پایه‌هایش را با کشتار مردم بی گناه استوار ساخته است و خود را نماینده‌ی خدا بر روی زمین می‌داند امری عادی به شمار می‌آید. بر همگان آشکار است که وقوع

ادامه صفحه ۵

«من» و «تو» خارج گشته و رابطه‌ی آنها مختل خواهد شد، در اینجا «بی تفاوتی»، «تنهایی» و «تک افتادگی» می شود نظم اجتماعی نه درد اجتماعی. انسان هایی که هدف مشترک ندارند تنها هستند صرفا دارای یک جهان جعلی هستند و فقط منافع فردی و ریز و اتمی را دنبال می کنند و قدرت سیاسی در چنین جوامعی از بین می رود و این ایدآل یک نظام توتالیتر است و تمام اهداف سیستم های توتالیتر، از بین بردن قدرت نهفته در تکثر افراد است.

در نظام های توتالیتر انسان ها تنها نیستند، بلکه تجربه‌ی عدم تعلق مطلق به جهان را تجربه

کوردستان

حکومت انتقاد می کنند.

۵) وجود یک اقتصاد بیمار و فاسد دولت مدار.

۶) وجود رهبری مقتدر و شخصیت پرستی.

۷) وجود ایدئولوژی رسمی و فراگیر حکومتی که همه‌چیز با آن وبا منفع شخصی و گروهی سنجیده می شود.

۸) سرکوب حقوق اقلیتهای سیاسی، مذهبی و قومی.

۹) قرار داشتن انحصار رسانه‌های فراگیر، از جمله رادیو و تلویزیون، در اختیار نظام.

۱۰) دولتی بودن تمامی هسته‌های نظام ارتباطی، اینترنت، تلفن و ...

۱۱) مقدس شماری آرمان های حاکمیت.

۱۲) برخورد سعبانه و بی رحمانه با مخالفان.

۱۳) محدود شدن آزادی های

شبه نظامی و پلیس مخفی.

۴) به راه آوردن یا سرکوب سازمانها و انجمنهایی که با اهداف اصلی این سستم های توتالیتر هماهنگ نیستند.

۵) جلب مشارکت گسترده‌ی مردم در تشکیلات دولتی برای دستیابی به آن هدف واحد.

۶) جهانشمول ساختن اهاف نظام، از طریق ادعای بازسازی نوع بشر طبق تعریفی که از آن به‌دست می دهند.

علائم تشخیص یک حکومت توتالیتر:

۱) بستن روزنامه‌های منتقد حکومت.

۲) وجود سانسور شدید در تمام ابعاد.

۳) وجود پناهندگان سیاسی فراوان در کشورها.

۴) زندانی کردن افرادی که از

می‌کنند و اینجاست که هانا آرنت ندا سر می دهد که:

طوفان شن همه را مدفون می کند و انسان هایی را می سازد که به هیچ چیز حتی به خودشان هم تعلق ندارند و تبدیل می شوند به «هیچکس».

ویژگی نظام های توتالیتر:

۱) پایبندی به هدف سیاسی واحدی که با قاطعیت تدوین شده، مثل صنعتی کردن در دوران استالین، برتری نژادی در دوران هیتلر و همزمان عدم پایبندی به شیوه‌های حکومت ثابت.

۲) پیش بینی ناپذیری و عدم قطعیت ناشی از شرایط بی ثباتی که در آن قهرمان دیروز خائن امروز و ره‌فتار وفادارانه‌ی امروز عملکرد براندازانه‌ی فردا تلقی شود.

۳) کاربرد وسیع خشونت سازمان یافته توسط نیروهای نظامی و

وضعیت اقتصادی و سیاسی و حقوق بشری ایران در یک سال گذشته بدتر شده است



مختار

نقشبندی

در قرن‌های پیش سرعت پیشرفت و تغییر شرایط کشورها کند بود اما در قرن گذشته با پیشرفت سریع تکنولوژی این تغییرات هم سریع تر شد و بعضی از کشورها ۲۰ تا ۳۰ پس از جنگ جهانی دوم به کل سیما و چهره کشورشان تغییر کرد و این تغییرات آنچنان بود که گویی هرگز در آن سرزمین جنگ و مناقشه‌ای رخ نداده است، در این قرن‌ی هم که در آن زندگی می‌کنیم سرعت تغییرات نسبت به قرن گذشته بیشتر شده است و سال به سال با پیشرفت سریع‌تر علم و تکنولوژی سرعت تغییرات هم بیشتر می‌شود و همه کشورها در حال رقابت با یکدیگر هستند، این که رشد سریع اقتصادی بدون در نظر گرفتن مسائل زیست محیطی و عدالت در جهانی با ساختار سیاسی ناعادلانه یک مسئله خطرناک برای آینده بشریت است یک واقعیت است اما اجتناب ناپذیر است و کشورهایی که نتوانند از امکانات و شرایطشان به نحو احسن برای پیشرفت و توسعه استفاده کنند به مرور زمان نارضایتی در میان مردمشان برای زندگی بهتر بیشتر می‌شود و مشکلاتی از جمله تنش‌های سیاسی و مهاجرت نخبگان و صاحبان سرمایه گریبانشان را خواهد گرفت و اوضاعشان بدتر هم خواهد شد، در واقع اگر کشوری از نظر اقتصادی رشد منفی هم نداشته باشد اما به نسبت دیگر کشورها رشد کمتری داشته باشد بازهم به مرور زمان باعث نارضایتی مردم آن کشور خواهد شد البته بعضی کشورهای ثروتمند آنقدر از نظر اقتصادی شرایط خوبی دارند که اگر کمتر از میانگین جهانی هم رشد اقتصادی داشته باشند تا ده‌ها سال دیگر هم شرایط اقتصادیشان از میانگین جهانی بهتر است. البته رشد اقتصادی بخشی از نیازهای مردمان دنیای امروز است و مسائل حق بشری و دموکراسی و آزادی‌های فردی هم جزء مسائل مهم مردمان جهان شده است و بدون درنظر گرفتن این مسائل نمی‌توان مردم یک کشور را راضی و خشنود نگه داشت و تقریباً همه کشورهای مرفه جهان در حد بالایی به حقوق بشر و آزادی‌های فردی احترام می‌گذارند. وضعیت ایران چگونه است؟ متأسفانه ایران از نظر اقتصادی و مسائل حقوق بشری کارنامه خوبی ندارد و از همه رقبای چهل و دو سال پیش عقب افتاده است و اکنون شرایط ایران به حدی وخیم است که مردم برای تامین نیازهای ضروری زندگی شان با مشکل مواجه شده‌اند و از نظر مسائل حقوق بشری هم شرایط ایران به نسبت گذشته بسیار بدتر شده است اما مسئولین رژیم ایران با ارقام و اعداد دروغین

چه در مورد وضعیت ایران و چه دیگر کشورها می‌خواهند تصویر دیگری از شرایط را به مردم نشان بدهند اما خوشبختانه کانال‌های ماهواره‌ای اپوزسیون و دنیای مجازی با آگاه‌سازی مردم باعث شکست این سیاست رژیم شده‌اند. در این مقاله برای درک کامل تر شرایط اسفناک ایران به بررسی شرایط اقتصادی و سیاسی و حقوق بشری ایران در سال گذشته می‌پردازیم.

اقتصاد ایران در یک سال گذشته:

طبق گزارشات نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی ایران در ۳ سال گذشته بین ۱۶ تا ۲۰ در صد کوچک شده است که این رکود برای یک اقتصاد کوچک مانند ایران با سرانه تولید ناخالص داخلی کم یک فاجعه است، در ۳ سال گذشته با ادامه رکود و افزایش تورم و بیکار شدن پی در پی شاغلین و اضافه شدن آنان به لشکر میلیونی بیکاران روز به روز شرایط اقتصادی ایران بدتر شده است، سال گذشته با همه‌گیری جهانی کرونا و انکار و سپس مدیریت ضعیف مسئولان رژیم در مبارزه با این ویروس خطرناک مشخص بود که وضعیت اقتصادی ایران نسبت به گذشته بدتر می‌شود، متأسفانه شرایط اقتصادی برای مردم فقیر ایران آنچنان بدتر شد

که مردم در تامین نیازهای ضروری زندگی با مشکل مواجه شده‌اند و مسئولین و کارشناسان رژیم به جای حل مشکلات مردم در برنامه‌های تلویزیونی به مردم توصیه می‌کنند اگر چیزی گران است آن را نخرید! کمتر بخرید! گوشت و میوه زیاد ضروری نیست! در جهان فقیرتر از ما هم وجود دارند! و ... و با جملاتی از این قبیل بیشتر با عث آزار و ناراحتی مردم می‌شوند. در بسیاری از کشورهای جهان دولت‌ها تمام توان خود را به کار گرفتند تا اقتصاد و مردم‌شان آسیب کمتری از این همه گیری ببینند و با کمک مالی به بیکار شدگان و کسانی که بخاطر محدودیت‌های کرونا درآمدشان کمتر شده بود از شهروندانشان حمایت کردند اما در ایران این حمایت‌ها به نسبت اقتصادی ایران بسیار ناچیز بود و شامل حال همه هم نشد، طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس ۶۰ درصد شاغلین فعال در ایران تحت حمایت و پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند و به همین دلیل با از دست دادن شغلشان با بحران اقتصادی مواجه می‌شوند و متأسفانه مسئولین رژیم هم جزء شعار کاری برای تغییر شرایط انجام نمی‌دهند، هر چند رکود اقتصادی ایران در سال گذشته کمتر از سال قبل از آن بود اما به هر حال اقتصاد رکود کرد و شرایط بدتر شد و آمار تورم ۴۳ درصدی کالاها و خدمات و ۵۶ درصدی مواد غذایی

و خامت اوضاع اقتصادی سال ۹۹ را نشان می‌دهد. در سال ۹۹ با ادامه حاشیه نشینی طبقه گفته عضو انجمن آمایش سرزمین ایران جمعیت حاشیه نشین ایران به ۳۸ میلیون نفر رسید یعنی ۴۵ درصد کل جمعیت کشور! همه این آمار و ارقام‌ها نشان می‌دهند که اوضاع اقتصادی ایران در سال ۹۹ از سال ۹۸ هم بدتر شد.

وضعیت حقوق بشری ایران در یک سال گذشته:

در پائیز سال ۱۳۹۹ دو قطعنامه در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران تصویب شد که یکی در مجمع عمومی سازمان ملل و دیگری در پارلمان اروپا که این قطعنامه‌ها به دلیل نقض حقوق بشر در ایران نظیر اعدام‌های گسترده و نقض حقوق اقلیت‌ها و بازداشت خودسرانه و شکنجه و محاکمه شدند، همچنین در هر دوی این قطعنامه‌ها از رژیم ایران خواسته‌اند نقض گسترده حقوق بشر را متوقف کند، همچنین در آخرین گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران همچون گزارش‌های قبلی از نقض گسترده حقوق بشر در ایران انتقاد شده و در این گزارش هم به نقض حقوق اقلیت‌ها و بازداشت خودسرانه و شکنجه و اعترافات اجباری و محاکمه ناعادلانه و احکام سنگین در سال ۱۳۹۹ اشاره شده و از فشار به خانواده‌های بازداشت شدگان و وکلای آنان انتقاد شده و از رژیم ایران خواسته‌اند به گزارشگر ویژه سازمان ملل اجازه بازدید از ایران را بدهد و همچنین ضمن تأکید بر حقوق کارگران خواستار به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها و تصویب کنوانسیون‌های بنیادین سازمان بین‌المللی کار شده‌اند. در سال گذشته وضعیت حقوق بشر در ایران به نسبت سال‌های قبل بدتر شده

و همه مردمان ایران مورد ظلم و ستم رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند اما مناطقی از ایران همچون کردستان و بلوچستان و مناطق عرب‌نشین و مناطق ترک‌نشین و همچنین مناطق دیگر اقلیت‌های ملی بیشتر از مناطق مرکزی ایران مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، برای نمونه در کردستان نسبت به جمعیت دستگیری‌های خودسرانه و برخورد با فعالین سیاسی و مدنی بیشتر از مناطق مرکزی ایران بوده است و وضعیت اقتصادی کردستان بسیار بدتر از مناطق فارس‌نشین است و مردم مناطق مرزی مجبور به کولبری می‌شوند که متأسفانه مورد حمله نیروهای رژیم قرار می‌گیرند که بر اساس آمار سازمان حقوق بشری هنگاوار سال ۲۰۲۰ دست کم ۱۸۱ کولبر مجروح و ۵۹ نفر کشته شده‌اند که نسبت به سال قبل ۳ مورد افزایش داشته است، همچنین رژیم به دلایل غیرموجه بخشی از مناطق مرزی را مین‌گذاری می‌کند که این باعث رعب و وحشت مرد به ویژه کاسبان و کشاورزان این منطقه شده و متأسفانه سال گذشته بر اثر انفجار این مین‌ها ۱۰ نفر کشته و ۳۰ نفر هم مصدوم شدند. در بلوچستان و مناطق عرب‌نشین ایران هم فشار بر این اقلیت‌ها بسیار زیاد است، کمبود و نبود آب آشامیدنی سالم در کنار فقر شدید و بیکاری زندگی را به کام مردمان این مناطق تلخ کرده و رژیم با خشونت با اعتراضات آنان برخورد می‌کند و اخیراً هم در پی شلیک مستقیم نیروهای رژیم به سوختیران بلوچ ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند، در مناطق ترک‌نشین هم به نسبت مناطق مرکزی ظلم و ستم بیشتری به مردم می‌شود. در کل در سال ۱۳۹۹ وضعیت حقوق بشر در ایران به ویژه وضعیت اقلیت‌های ملی و مذهبی نسبت به سال گذشته بدتر شد.

وضعیت سیاسی ایران در سال گذشته:

در سال گذشته وضعیت سیاسی رژیم ایران چه در داخل و چه در خارج بدتر شده است، در داخل نارضایتی‌های عمومی بسیار بیشتر شده و اگر بخاطر کرونا نبود مسلمانا اعتراضات خیابانی گسترده‌تری نسبت به سال‌های قبل شکل می‌گرفت، مردم در دنیای مجازی به طور گسترده اعتراضات خود را بیان کرده‌اند که همه شواهد نشان می‌دهد مردم بیش از هر زمانی از رژیم متنفر و نا امید شده‌اند، دلیل افزایش نارضایتی مردم نقض حقوق بشر و وضعیت بسیار بد اقتصادی است، این شرایط باعث شده که اختلافات در میان مسئولین رژیم هم بیشتر شود، البته واضح است که بخشی از اعتراضات مسئولین رژیم نسبت به شرایط فعلی یک بازی سیاسی برای گرم کردن تنور انتخابات است اما جنگ قدرت میان جناح‌های رژیم هم دلیل دیگر این اعتراضات است که روز به روز در حال افزایش است. در عرصه بین‌المللی هم ایران همچنان با مشکلات سیاسی زیادی مواجه است و در سال ۹۹ به نسبت سال قبل مشکلات ایران بیشتر شد، دولت ترامپ تا روز آخر سیاست فشار حداکثری را ادامه داد و تأثیر این سیاست بر اقتصاد ایران در سال ۹۹ به نسبت سال قبل بیشتر بود و در چند ماه گذشته و پس از پیروزی بایدن در انتخابات اوضاع برای رژیم ایران بدتر هم شد و در یک مقاله در روزنامه کوردستان به بررسی این موضوع پرداختیم که بایدن با چماق ترامپ سیاست اوپاما را ادامه می‌دهد اما با هویج‌های کوچک تر، دولت بایدن در همین مدت کم نشان داده است بر خلاف دولت ترامپ از حمایت متحدان اروپائیش در مسئله پرونده

هسته‌ای ایران بر خوردار است و این برای رژیم ایران خوشایند نیست و در کل در زمینه پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها سال ۹۹ برای رژیم ایران بدتر از ۹۸ بود چون زمان به نفع رژیم ایران نیست، همچنین در سال گذشته در زمینه سیاست‌های منطقه‌ای و جنگ نیابتی اوضاع برای ایران بسیار دشوار و سخت بود و حملات اسرائیل علیه نیروهای رژیم ایران و گروه‌های شبه نظامی بیشتر شد. در کل در سال ۹۹ رژیم ایران در سیاست خارجی و مسائل منطقه‌ای و اختلافات با غرب با مشکلات بیشتری نسبت به سال ۹۸ مواجه بود.

شرایط اکنون ایران به دلیل شرایط و انتخاب‌های رژیم ایران در سال‌های قبل است و با توجه به شرایط وخیم سال ۹۹ اگر رژیم ایران انتخاب درستی نکند شرایط سال ۱۴۰۰ از هر لحاظ بدتر خواهد شد، تنها انتخاب درست رژیم ایران این است که در سیاست خارجیش تجدید نظر کلی کند و در داخل با آزادی احزاب و انتخابات آزاد به مردم اجازه بدهد سرنوشت خود را انتخاب کنند که با توجه به شناختی که از رهبران و مسئولین رژیم داریم چنین چیزی محال است پس تنها راه این است که با سرنوشتی رژیم مانع بدتر شدن اوضاع اقتصادی و حقوق بشری در ایران شوم و این تنها با اتحاد همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های اپوزسیون با احترام به حقوق همه ملیت‌ها و مذاهب ممکن است. با توجه به مطالبی که در مقدمه مقاله بیان کردیم اگر شرایط ایران تغییر نکند در آینده مهاجرت مردمان ایران چه نوابغ و چه افراد عادی بیشتر خواهد شد و متأسفانه مردمان ایران باید در همین کشورهای همسایه به دنبال زندگی بهتری باشند. هر روز زودتر این رژیم را سرنگون کنیم یک روز زودتر به دموکراسی و رفاه خواهیم رسید.

نوروزتان پیروز

شعله‌های مبارزه با آتش نوروژی
فروزانتر خواهد شد



دستگاه تبلیغات و اطلاع‌رسانی
حزب دمکرات کوردستان ایران